



درس فارغ فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: کاهش ارزش پول و بررسی آثار فقهی آن

تاریخ: ۱۵ آبان ۱۴۰۳

موضوع جزئی: موضوع‌شناسی: ۲. تورم - تفاوت تورم و گرانی - ابعاد تفاوت - تورم در صدر اسلام -

روایات: دسته اول و دسته دوم

مصادف با: ۳ جمادی الاولی ۱۴۴۶

جلسه: ۱۳

سال دوم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

در مبحث موضوع‌شناسی، دومین موضوعی که به عنوان مقدمه بحث اصلی باید درباره آن مطالبی را به عرض برسانیم، مسئله تورم است. ابتداءً علت بحث از تورم را بیان کردیم که چرا ما درباره تورم سخن می‌گوییم؛ برای اینکه تورم از یک منظر روی دیگر کاهش ارزش پول است. اینکه می‌گوییم از یک منظر، منظور همان جهتی است که در جلسه گذشته به آن اشاره کردیم که طبق همه تعاریفی که برای تورم ارائه شده، به هر حال بر این مسئله گویا اتفاق نظر هست مخصوصاً وقتی می‌خواهند تورم را اندازه‌گیری کنند. آن چیزی که مورد اتفاق است و کسی در آن بحث ندارد و می‌تواند معرف و مبین تورم باشد، این است که تورم یعنی افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره زمانی معین. این یک تعریف ساده از مسئله تورم است؛ عرض کردم تعریف‌های فنی‌تر و ناظر به سبب آن یا علل پیدایش آن یا مثلاً ناظر به نتایج و آثار آن، ارائه می‌شود. چون تعریف‌ها گاهی مبین ماهیت و حقیقت است و گاهی ناظر به اسباب است، گاهی ناظر به آثار است. به هر حال تعریف‌ها از منظر اقتصاددانان و اینکه کدام بخش به نظر آنها برجسته‌تر و مهم‌تر باشد، مختلف است. به دو سه نمونه از آنها اشاره کردیم. بنابراین معلوم شد تورم به معنای افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در یک دوره زمانی معین و روی دیگر کاهش ارزش پول است.

ابعاد تفاوت تورم و گرانی

بعد بحث از تفاوت تورم و گرانی به میان آمد؛ این هم به جهت آشکار شدن و روشن شدن پیشینه این موضوع مهم است و هم فی نفسه دارای اهمیت است. بالاخره اشتباه نکنیم، تورم با گرانی فرق دارد. دانستن اینکه مثلاً در دوره‌های گذشته به خصوص در صدر اسلام چیزی به نام تورم داشتیم یا نه، مهم است. تفاوت این دو را اجمالاً اشاره کردیم.

۱. این تفاوت‌ها بعضاً ناظر به اسباب هر یک از این دو است؛ تورم یک سببی دارد یا دارای بعضی از اسباب است، در حالی که اسباب گرانی متفاوت است. شاید مهم‌ترین سبب و عامل تورم، سیاست‌های پولی است اما مهم‌ترین عامل گرانی، سیاست‌های عرضه و تقاضا است. جالب این است که یکی از عواملی که در تورم دخیل است، خود مسئله عرضه و تقاضا است؛ این دو گاهی دارای عوامل مشترک هستند، به این معنا که سیاست‌های عرضه هم بر گرانی تأثیر دارد و هم بر تورم، ضمن اینکه اینها دو مسئله متفاوت‌اند. ما بعداً ان‌شاءالله درباره علل و اسباب تورم سخن خواهیم گفت و انواع تورم را بیان خواهیم کرد. اما فی‌الجمله آنچه می‌تواند به عنوان یک سبب مهم و اصلی برای تورم ذکر شود، سیاست‌های پولی است. چون در هر حال تورم معلول رشد نقدینگی است؛ یعنی وقتی حجم در گردش پول بالا می‌رود، تورم پدید می‌آید (یک عامل این است). اینکه چه کسانی از حجم بالای نقدینگی منتفع می‌شوند، این بماند؛ شما حتماً آمارهای این چند سال اخیر را ملاحظه

کرده‌اید که تقدینگی کشور در هر سال نسبت به سال گذشته چگونه به سرعت افزایش پیدا کرده است. با همه مشکلاتی که مردم دارند و خط فقر دارد بالا می‌رود و جمعیت زیادی به زیر خط فقر منتقل می‌شوند، اما حجم پول در گردش و مقدار پولی که در دست همه مردم در کل کشور جابجا می‌شود (صرف نظر از اینکه دست چه تعداد اشخاص است) هر سال نسبت به سال گذشته به شدت افزایش پیدا کرده و این موجب تورم است.

پس تورم معلول عواملی است که مهم‌ترین آنها سیاست‌های پولی است؛ البته سیاست‌های عرضه و تقاضا یا واقعیت عرضه و تقاضا و برخی عوامل دیگر که ان‌شاءالله بیان خواهیم کرد، هم تأثیر دارد. اما گرانی به سیاست‌های پولی وابسته نیست بلکه تابع سیاست‌های عرضه است؛ اگر نسبت به یک کالایی تقاضای بیشتر باشد و عرضه آن به اندازه تقاضا نباشد، گرانی پدید می‌آید. عرض کردم که این عامل حتی به عنوان عامل مشترک بین تورم و گرانی هست اما نقش محوری آن در رابطه با گرانی است.

۲. از حیث نتایج و آثار هم متفاوت‌اند؛ آثار گرانی با آثار تورم ممکن است مشترکاتی داشته باشند اما باز بین اینها تفاوت است. از حیث قدرت خرید طبیعتاً وقتی یک جنسی گران می‌شود، قدرت خرید کاهش پیدا می‌کند؛ یعنی گرانی سبب می‌شود که مردم یک چیزی را نخرند؛ چون برای آن شیء خاص باید پول بیشتری بپردازند اما این در رابطه با یک کالا یا دو کالا است، نه در رابطه با مجموع. تورم هم که پدید می‌آید، این اثر را دارد؛ اصلاً تورم از یک منظر به معنای کاهش قدرت خرید است یا کاهش ارزش پول، فرق نمی‌کند، اینها به هم وابسته است. پس تورم و گرانی ضمن اینکه با هم تفاوت دارند، اما در عین حال اشتراکاتی یا از حیث اسباب یا از حیث آثار بین آنها هست؛ ولی قطعاً نمی‌توانیم اینها را یکی بدانیم.

گاهی ممکن است مردم از گرانی شکایت کنند ولی تورمی وجود نداشته باشد؛ چون گرانی بیشتر به سطح درآمد مردم بستگی دارد. اگر فرضاً درآمد مردم پایین باشد و نتوانند با آن درآمد کالایی را که می‌خواهند تهیه کنند، این به نظرشان گرانی است اما لزوماً تورم نیست. در یک مواردی هزینه تمام شده تولید ممکن است بالا برود و کالا برای تولیدکننده گران تمام شود، طبیعتاً وقتی می‌خواهد آن را عرضه کند، اگر بخواهد همراه با یک سودی هم باشد، این گران می‌شود و قیمت بالا می‌رود. اما این بالا رفتن قیمت معلول هزینه تمام شده است؛ چون هزینه تمام شده بالا رفته، قیمت هم بالا رفته است. اما در مورد تورم این نیست که چون هزینه تمام شده بالا رفته، موجب تورم شود. آن بیشتر به سیاست‌های پولی برمی‌گردد؛ می‌دانید وقتی تورم یا گرانی پیش بیاید (مخصوصاً در تورم) طبیعتاً درآمدها کفاف زندگی را نمی‌دهد. آن وقت ناچار هستند دستمزدها را افزایش بدهند؛ یعنی کسی که سال گذشته مثلاً با ماهی ۸ میلیون تومان نمی‌توانسته زندگی کند، امسال تازه اگر مثلاً تورم را ۲۰ درصد یا ۲۵ درصد بگیریم، اگر درآمد او به ۱۰ میلیون برسد، این هیچ فرقی با سال گذشته نکرده و همان کمبودها را نسبت به پارسال دارد، با اینکه الان درآمد او به حسب ظاهر افزایش پیدا کرده اما در مقایسه با افزایشی که سطح عمومی قیمت‌ها پیدا کرده، کأن هیچ تغییری نکرده است. آن وقت دائماً درخواست افزایش دستمزد مطرح است. وقتی دستمزدها افزایش پیدا می‌کند، یعنی قدرت خرید بیشتری برای مردم پیدا می‌شود؛ این سبب می‌شود که میل به مصرف بیشتر شود. بالاخره وقتی یک خرده درآمد بیشتر باشد، مردم می‌روند برای تهیه نیازها؛ نیازهایی که تا کنون نمی‌توانستند تأمین کنند، الان با این افزایش دستمزد، مصرفشان بیشتر می‌شود که خود این هم موجب گرانی می‌شود. این را مفصلاً توضیح خواهم داد؛ وقتی تقاضا بیشتر می‌شود،

این روی قیمت‌ها اثر می‌گذارد و قیمت بالا می‌رود. این داستان عجیب و پیچیده‌ای است و واقعاً برای حل این مسائل نیاز به کارشناسان خبره و با تجربه است که این مسائل را حل کنند. یک تصمیم ساده ممکن است اگر پشتوانه‌اش کارشناسی دقیق و حساب شده و همراه با آینده‌نگری نباشد، مشکلات فراوانی ایجاد کند؛ چه اینکه ما بعضی از این مشکلات را در وقایع و حوادث پیرامون خودمان ملاحظه می‌کنیم. به هر حال فکر می‌کنم این مقدار برای بیان فرق تورم و گرانی کفایت می‌کند.

تورم در صدر اسلام

مسئله‌ای که باید به آن اشاره‌ای داشته باشیم و قبل از بیان برخی از مطالب مهم مربوط به تورم، آن را رسیدگی کنیم، این است که آیا واقعاً آنچه در گذشته بوده، مثلاً در صدر اسلام، تورم بوده یا گرانی؟ چون این کمک می‌کند که ببینیم روایات می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد یا نه؟ حالا یا اطلاعات و عمومات یا برخی ادله خاصه. ما به این مطلب در اوایل این بحث اجمالاً اشاره کردیم و گفتیم هر چند عده‌ای به شدت منکر وجود تورم در گذشته هستند و می‌گویند تورم معلول پیچیدگی‌های مسائل اقتصادی در یکی دو قرن اخیر است و آنچه قبلاً بوده، گرانی بوده و تورم نبوده است. ما شواهدی نقل کردیم، هم در قرون اولیه میلادی از دولت‌های غربی و هم از تاریخ اسلام و برخی روایات.

به نظر ما تورم در زمان پیامبر(ص) و در صدر اسلام وجود داشته است؛ عده‌ای شدیداً این را منکر هستند و می‌گویند این گرانی بوده نه تورم. ما برخی از روایات را شاهد مدعای خودمان قرار دادیم؛ البته معلوم است که تورم امروز بسیار متفاوت از تورم در ۱۴۰۰ سال پیش است؛ خیلی پیچیده‌تر شده، خیلی مسائل دخالت دارد، ولی اصل و اساس آن بوده است.

روایات

برخی از روایات شاهد بر این معناست؛ در میان روایات، دسته‌ای دال بر افزایش سطح عمومی قیمت‌هاست و نه یک کالای خاص.

دسته اول

در برخی از روایات هم صحبت از افزایش قیمت هست، لکن این افزایش قیمت برای یک کالای خاص است؛ از جمله روایاتی که در باب قربانی وارد شده یا در باب فروش نسبه گندم.

۱. محمد بن قاسم حنط به امام صادق(ع) عرض می‌کند: «أَصْلَحَكَ اللَّهُ أَبِيعَ الطَّعَامِ مِنَ الرَّجُلِ إِلَى أَجَلٍ فَاجِيٍّ وَ قَدْ تَغَيَّرَ الطَّعَامُ مِنْ سِعْرِهِ فَيَقُولُ لَيْسَ عِنْدِي دَرَاهِمٌ قَالَ(ع): خُذْ مِنْهُ بِسِعْرِ يَوْمِهِ»^۱ به امام صادق(ع) عرض کردم که طعام یا گندمی را از کسی می‌خرم تا یک زمانی؛ بعد قیمت تغییر می‌کند. او می‌گوید «لَيْسَ عِنْدِي دَرَاهِمٌ»؛ امام(ع) می‌فرماید: با همان قیمت از او بگیر. این روایت اشاره می‌کند به افزایش قیمت طعام؛ ما با حکم آن کار نداریم؛ اصل بالا رفتن قیمت در یک کالای خاص مورد نظر است.

۲. یا مثلاً در مورد قربانی: «عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ قَالَ: كُنَّا بِمَكَّةَ فَأَصَابَنَا غَلَاءٌ مِنَ الْأَصْحَى» ما مکه بودیم و مواجه شدیم با بالا رفتن قیمت‌های قربانی؛ بالاخره ایام حج تقاضا برای گوسفند و شتر زیاد می‌شد و طبیعتاً قیمت بالا می‌رفت. حالا هم همینطور است؛ نزدیک عید قربان که می‌شود، قیمت‌ها بالا می‌رود. «فَأَشْتَرَيْنَا بِدِينَارٍ ثَمَّ بِدِينَارَيْنِ ثُمَّ

۱. وسائل الشیعة، ج ۱۸، ص ۳۱۲، باب ۱۲ از کتاب التجارة، ح ۵.

بَلَّغَتْ سَبْعَةً ثُمَّ لَمْ تَوْجَدْ بِقَلِيلٍ وَلَا كَثِيرٍ^۱، ما اول این را با یک دینار خریدیم، بعد دو دینار، تا هفت دینار؛ دیگر کار به جایی رسید که پیدا نمی‌شد. در ادامه این روایت، هشام مکاری یک نامه‌ای به امام کاظم (ع) نوشت و این ماجرا را برای امام (ع) شرح داد؛ آن وقت حضرت یک توصیه‌هایی کردند که شما مثلاً قیمت سه گوسفند اول را در نظر بگیرید و متوسط قیمت آنها را صدقه بدهید.

بنابراین برخی از روایات متضمن بیان افزایش قیمت یک کالای خاص است. بله، اینها طبیعتاً مربوط به گرانی است و از اینها نمی‌شود مسئله تورم را بدست آورد.

دسته دوم

اما برخی روایات اشاره به یک قیمت خاص نمی‌کند بلکه می‌گوید همه قیمت‌ها بالا رفته است. از جمله:

۱. روایت «قِيلَ لِلنَّبِيِّ (ص) لَوْ سَعَرَتْ لَنَا سَعْرًا فَإِنَّ الْأَسْعَارَ تَزِيدُ وَتَنْقُصُ»، می‌گوید ای کاش برای ما قیمت‌گذاری می‌کردید، چون قیمت‌ها بالا و پایین می‌شود؛ این اشاره به یک کالای خاص ندارد.

۲. یا مثلاً در روایتی از انس بن مالک نقل شده: «غَلَا السُّعْرُ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَقَالَ النَّاسُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ، غَلَا السُّعْرُ فَأَسْعِرْ لَنَا»؛ در عهد رسول خدا (ص) قیمت بالا رفت. اینجا قیمت کالای خاصی را نمی‌گوید؛ بلکه ظاهراً قیمت همه کالاها بالا رفته است. لذا معلوم می‌شود که اینطور نبوده که خیلی کوتاه و مقطعی بالا برود و دوباره پایین بیاید. می‌گوید قیمت‌ها بالا رفته و شما قیمت‌گذاری کنید.

۳. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده: «وَقَدْ تَزِيدَ السُّعْرُ بِالْمَدِينَةِ»، قیمت در مدینه بالا رفت؛ از این معلوم می‌شود که در مناطق مختلف هم مسئله قیمت بوده و بالا رفتن قیمت بوده و تفاوت داشته است.

این روایاتی که بدون ذکر یک کالای خاص و به صورت کلی می‌گویند قیمت بالا رفته، اشاره به این دارد که قیمت همه کالاها یا اغلب کالاها یا آن کالاهایی که بیشتر مورد نیاز است، بالا رفته است.

بنابراین براساس این دسته از روایات و برخی شواهد تاریخی، در دوره‌های مختلف اسلامی می‌توانیم بگوییم به ظن قوی تورم وجود داشته است. منتها تورم در آن زمان با این زمان کاملاً فرق می‌کند؛ بله، شاید برخی از امور در آن زمان سالبه به انتفاء موضوع بود و الان جدیداً پیدا شده و دخالت آن در تورم کاملاً مؤثرتر است و به نحو مؤثرتری مدخلیت دارد. با همه اینها، این باعث نمی‌شود که بگوییم در گذشته تورم نبود. لذا افزایش سطح عمومی قیمت‌ها را در ادوار مختلف تاریخی می‌توانیم ردیابی کنیم. این در بلاد اسلامی بوده، در بلاد غیر اسلامی هم شواهدی برای آن قابل ذکر است.

این هم در رابطه با تورم و فرق آن با گرانی و ریشه‌یابی آن در صدر اسلام و تاریخ اسلام.

سؤال:

استاد: ما دو دسته تورم داریم؛ تورم گاهی کوتاه‌مدت و گاهی بلندمدت است؛ پس تورم می‌تواند در یک مدت کوتاهی رخ بدهد. این که شما می‌فرمایید، محتمل است که مثلاً یک حادثه طبیعی پیش آمده یا مثلاً در ایام حج قیمت قربانی بالا برود، اما عبارات روایات اولاً از این جهت اعم است و زمان ذکر نکرده و گفته بالا رفت؛ اگر اینطور بود، باید می‌گفت که قیمت بالا

۱. تهذیب، ج ۵، ص ۲۷۰، ح ۱۴۴؛ کافی، ج ۴، ص ۵۴۴، ح ۲۲؛ وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۰۳، باب ۵۸، ح ۱.

رفت و پایین آمد. اینکه می‌آیند از رسول خدا(ص) تقاضای قیمت‌گذاری می‌کنند، این معلوم می‌شود که این اتفاق تکرار شده و لذا از رسول خدا(ص) تقاضا می‌کنند که شما قیمت‌گذاری کنید. جالب است، آنجا رسول خدا(ص) یک پاسخی می‌دهد که البته احتیاج به توجیه دارد؛ می‌فرماید: من در امر خدا دخالت نمی‌کنم. یعنی ظاهرش این است که بالا رفتن قیمت‌ها تابع اراده الهی است. این خودش احتیاج به توجیه دارد؛ این یعنی چه؟ به ظاهر آن که نمی‌شود اخذ کرد. لذا مجموعه این قرائن نشان می‌دهد که بالا رفتن قیمت‌ها در آن دوران، از نوع تورم بوده و نه از جنس گرانی.

بحث ما موضوع‌شناسی است و ان‌شاءالله در مباحث آینده ما ...

«والحمد لله رب العالمین»